



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى



موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خداوند (وجود، صفات و افعال)
۲. عقاید؛ شناخت ایمان و کفر؛ ادیان، مذاهب و فرقه‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: یوسف الخالدی

تاریخ: ۱۳۹۸/۵/۱۰

- نظر جناب منصور هاشمی خراسانی راجع به موارد زیر چیست؟
۱. آیا فناء فی الله عقیده‌ای عقلانی و مطابق با قرآن و سنت است؟
 ۲. آیا به کار بردن وصال و فراق برای خداوند تبارک و تعالی جایز است؟
 ۳. آیا به کار بردن عبارت عاشق و معشوق برای رابطه‌ی عابد و معبود جایز است؟
 ۴. آیا به کار بردن کلماتی مانند مغ و می و پیاله و باده و زلف و نگار و رخ و چشم و امثال این الفاظ که شاعران به کار می‌برند، برای خداوند جایز است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۸/۵/۱۴

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. عبارت «فناء فی الله» در قرآن و سنت نیامده و از اختراعات اهل تصوف است. ظاهراً مراد آنان از این عبارت آن است که بنده جز خداوند هیچ وجودی نبیند و هیچ فاعل و مؤثری نشناسد؛ چنانکه گفته‌اند: «رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند / بنگر که تا چه حدّست مکان آدمیت»^۱ و گفته‌اند: «مردان خدا پرده‌ی پندار دریدند / یعنی همه جا غیر خدا هیچ ندیدند»^۲. البته تردیدی نیست که وجود موجودات فیض خداوند است و هیچ فعل و اثری در جهان، بدون حول، قوه، علم و اذن او تحقق نمی‌یابد، ولی لازم است که در این باره به عبارات شریعت بسنده کرد و از عبارات خودساخته و دوپهلوی دوری جست؛ چراکه عبارات شریعت در این باره، به قدر کافی گویا و روشن است

۱. سعدی، غزلیات، مواظ، شماره‌ی ۱۸
 ۲. فروغی بسطامی، غزلیات، شماره‌ی ۲۲۶



و نیازی به عبارات خودساخته و دوپهلو وجود ندارد؛ خصوصاً با توجه به اینکه برخی مردم از این عبارات، معانی غلط و کفرآمیزی برداشت می‌کنند.^۱

۲. به نظر می‌رسد که کاربرد وصال و فراق در رابطه با خداوند جایز است؛ چراکه در قرآن، از قرب به خداوند^۲ و لقاء او^۳ یاد شده است و تعبیر وصال، اختلاف معنایی قابل توجهی با آن ندارد و تعبیر فراق، به معنای محرومیت از آن است؛ چنانکه در برخی ادعیه‌ی رسیده از اهل بیت آمده است: «فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي، صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؟!»^۴؛ «پس گیرم ای خدای من و سرور من و مولای من و پروردگار من! بر عذاب تو صبر کردم، چگونه بر فراق تو صبر کنم؟!»^۵ یعنی بر دوری‌ام از تو در دوزخ.

۳. بهتر است در رابطه با خداوند، از کلمه‌ی معشوق استفاده نشود؛ چراکه در قرآن و سنت، از او با این نام یاد نشده، هر چند با نام «محبوب» و «حبيب» یاد شده؛ چنانکه در قرآن آمده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»^۶؛ «و کسانی که ایمان آوردند شدیدترین حُب را به خداوند دارند» و آمده است: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»^۷؛ «پس خداوند گروهی را خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان او را دوست می‌دارند» و در برخی ادعیه‌ی رسیده از اهل بیت آمده است: «يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ»^۸؛ «ای حبيب کسی که به تو محبت نشان می‌دهد» و آمده است: «يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ»^۹؛ «ای حبيب دل‌های راستگویان».

۴. در قرآن، از روی^{۱۰}، چشم^{۱۱} و دست^{۱۲} برای خداوند یاد شده است، ولی از هیچ یک معنایی مادی و موهن متبادر نمی‌شود؛ زیرا با توجه به قرائن متصل و منفصل موجود، معلوم است که مراد از آن‌ها ذات، علم و قدرت خداوند است و با این وصف، نمی‌توان آن‌ها را مجوزی برای تعبیر جنسی و کفرگونه‌ی شاعران در رابطه با خداوند دانست. بی‌گمان به کار بردن تعبیر جنسی و کفرگونه‌ای مانند بت، مغ، هندو، نگار، شاهد، ساقی، زلف، گیسو، لب، ابرو، ناز، کرشمه، بوسه و باده در رابطه با خداوند، سخن گفتن مانند کافران است که خداوند درباره‌ی اهل آن فرموده است: «ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ»^{۱۳}

۱. به عنوان نمونه، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۳۵۷.

۲. الواقعة / ۱۱؛ العلق / ۱۹

۳. العنکبوت / ۵

۴. مصباح المتهجد للطوسي، ص ۸۴۷؛ إقبال الأعمال للسید بن طاووس، ج ۳، ص ۳۳۵

۵. البقرة / ۱۶۵

۶. المائدة / ۵۴

۷. مصباح المتهجد للطوسي، ص ۵۸۵؛ إقبال الأعمال للسید بن طاووس، ج ۱، ص ۱۳۵

۸. مصباح المتهجد للطوسي، ص ۸۴۸؛ إقبال الأعمال للسید بن طاووس، ج ۳، ص ۳۳۵

۹. الزحمن / ۲۷

۱۰. هود / ۳۷

۱۱. المائدة / ۶۴

«أَنْتِ يُؤْفَكُونَ»^۱؛ «این سخن آنان با دهان هاشان است، مانند کسانی سخن می گویند که پیش تر کافر شدند، خداوند آنان را بکشد، به کجا انحراف می یابند؟!». از این رو، علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، شاعران اهل تصوّف را سخت نکوهش کرده است.^۲

در مجموع، فرهنگ و ادبیات صوفیانه، تفاوت های فاحشی با فرهنگ و ادبیات قرآن و سنت دارد و از این رو، قابل تأیید نیست.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. التوبة / ۳۰

۲. بنگرید به: بازگشت به اسلام، ص ۸۹ تا ۹۵.